

## «مقاله پژوهشی»

## تحلیل ساختاری ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی؛ نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی

1. رضا شهابنگ\*، 2. محمدعلی بشارت، 3. عباسعلی حسین‌خانزاده، 4. فرزین باقری شیخانگفشه

1. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، 2. استاد گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، 3. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، 4. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(تاریخ وصول: 97/08/05 - تاریخ پذیرش: 99/02/31)

### Structural Analysis of Relationship between Celebrity Worship and Psychological Wellbeing: Mediating Role of Cognitive Flexibility

1. Reza Shabahang\*, 2. Mohammad Ali Besharat, 3. Abbas Ali Hossien Khanzadeh, 4. Farzin Bagheri Sheykhangafshe

1. M.A in General Psychology, Department of Psychology & Education science. Tehran University. Tehran. Iran, 2. Professor of Psychology, Department of Psychology & Education science. Tehran University. Tehran. Iran, 3. Associate of psychology, Faculty of Literature & Humanities, Gilan University. Rasht. Iran, 4. M.A in General Psychology, Faculty of Literature & Humanities, Gilan University. Rasht. Iran.

(Received: May. 20, 2020 - Accepted: Oct. 27, 2018)

#### Abstract

**Objective:** Celebrity worship as a parasocial relationship with celebrities can affect psychological wellbeing, but meanwhile, cognitive abilities and especially cognitive flexibility can play effective roles due to the effect on interpersonal communication. Therefore, the present study aims to investigate the relationship between the celebrity worship and psychological wellbeing with the mediating of role cognitive flexibility. **Method:** The research design was descriptive and correlational. The statistical population of the study consisted of students of Guilan University in 1397. Among them, 300 female and female students were selected by convenient sampling method. After sampling, celebrity worship attitude (McCutcheon, Lange & Houran, 2002), Ryff's scale of psychological wellbeing (Ryff, 1989) and cognitive flexibility inventory (Dennis & Vander Wal, 2010) are given to participants. Also data analysis was performed using Pearson correlation coefficient and structural analysis. **Results:** According to the results, celebrity worship was correlated to psychological wellbeing and cognitive flexibility significantly. In fact, celebrity worship directly had negative and significant effect on psychological wellbeing and cognitive flexibility. Moreover, the indirect effect of celebrity worship on psychological wellbeing through the cognitive flexibility was negative and significant. Therefore, it can be concluded that the cognitive flexibility has a mediating role in the relationship between the celebrity worship and psychological well-being. In other words, by increasing cognitive flexibility, psychological well-being problems caused by extreme involvement with celebrities would be reduced. **Conclusion:** Considering the mediating role of cognitive flexibility in the relationship between celebrity worship and psychological wellbeing, it can be argued that by increasing cognitive flexibility, psychological well-being problems caused by celebrity worship decreases as well.

**Keywords:** Celebrity Worship, Psychological Wellbeing, Cognitive Flexibility.

#### چکیده

مقدمه: پرستش افراد مشهور به‌عنوان ارتباط فرا اجتماعی با افراد مشهور می‌تواند بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیرگذار باشد. البته در این بین، توانایی‌های شناختی و به‌طور مشخص انعطاف‌پذیری شناختی به‌موجب تأثیراتی که بر ارتباطات بین فردی می‌گذارد، می‌تواند نقش مؤثری را ایفا کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی صورت گرفته است. روش: طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه گیلان در سال 1397 بودند که از این بین 300 دانشجو خانم و آقا با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. پس از نمونه‌گیری، مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور (مک-کاتچون، لانگ و هوران، 2002)، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (ریف، 1989) و پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی (دنیس و واندر وال، 2010) به شرکت‌کنندگان ارائه شد. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل ساختاری انجام گرفت. یافته‌ها: بر طبق نتایج به دست آمده، پرستش افراد مشهور به صورت معناداری با بهزیستی روان‌شناسی و انعطاف‌پذیری شناختی همبستگی منفی داشت. در واقع، پرستش افراد مشهور به صورت مستقیم بر بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی تأثیر منفی معنی‌دار داشت. همچنین اثر غیرمستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی منفی و معنی‌دار بود؛ بنابراین می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری شناختی نقش میانجی در ارتباط پرستش افراد مشهور با بهزیستی روان‌شناختی دارد. به بیانی دیگر، با افزایش توانایی انعطاف‌پذیری شناختی، از مشکلات بهزیستی روان‌شناختی ناشی از درآمیختگی افراطی با افراد مشهور کاسته می‌شود. نتیجه‌گیری: با توجه به نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی، می‌توان مطرح کرد که هر چه توانایی انعطاف‌پذیری شناختی افزایش یابد، مشکلات بهزیستی روان‌شناختی ناشی از پرستش افراد مشهور کمتر می‌شود.

**واژگان کلیدی:** پرستش افراد مشهور، بهزیستی روان‌شناختی، انعطاف‌پذیری شناختی.

\* نویسنده مسئول: رضا شهابنگ

\*Corresponding Author: Reza Shabahang

Email: Reza.shabahang@ut.ac.ir

## مقدمه

موارد را دارا باشند (به نقل از گرینوود، مک-کاتچئون، کولیسون و ونگ<sup>13</sup>، 2018). پژوهشگران مختلف به صورت متفاوتی در مورد این دسته از ارتباطات با افراد مشهور بحث کرده‌اند. هورتون و وهل<sup>14</sup> (1956) حرف از تعامل یک‌طرفه می‌زنند، در مقابل کاف<sup>15</sup> (1984) به ارتباط اجتماعی تخیلی<sup>16</sup> اشاره دارد. در واقع پرستش افراد مشهور، ارتباط اجتماعی یک‌طرفه‌ای است که بر جذب شدن و علاقه به فرد مشهور استوار است (استیور<sup>17</sup>، 2011). افرادی که شیفته اشخاص مشهور می‌باشند، برای افراد مشهور مورد علاقه‌شان احترام بسیار زیادی قائل هستند و کمبودها و ناسازگاری‌هایشان را نادیده می‌گیرند و یا برایشان دلایل و بهانه‌هایی مطرح می‌کنند (آراگت، گریفیت، ادمن، گرین و مک‌کاتچئون<sup>18</sup>، 2014). به بیانی دیگر، بعضی افراد به تشکیل روابط یک‌طرفه هذیانی<sup>19</sup> با افراد مشهور مورد علاقه‌شان می‌پردازند که به وسواس و تفکر افراطی در رابطه با افراد مشهور مورد علاقه‌شان منجر می‌شود (مالتی، هوران و مک‌کاتچئون<sup>20</sup>، 2003) که این تفکر افراطی، پرستش افراد مشهور<sup>21</sup> در نظر گرفته می‌شود (آنگ و چان<sup>1</sup>،

تحسین افراد مشهور به‌عنوان الگو و مدل، بخش عادی از رشد هویت تلقی می‌شود (گرین و آدامز - پرایس<sup>1</sup>، 1990؛ راویو و همکاران<sup>2</sup>، 1996؛ یو و چئونگ<sup>3</sup>، 2000)، اما فراتر از این ارتباط و تعامل یک‌طرفه<sup>4</sup>، همچون نوع اروتومانیک اختلال هذیانی<sup>5</sup>، می‌تواند پدیده‌ای غیرعادی شناخته شود که به موجب آن افراد با هویت‌های سالم فرضی تقریباً غرق در یک یا چند شخص مشهور می‌گردند. این نوع از رفتارهای وسواس گونه، پرستش افراد مشهور شناخته می‌شوند (به نقل از مالتبی، هوران و مک‌کاتچئون<sup>6</sup>، 2003). در 60 سال اخیر، تأثیر و اهمیت شخصیت‌های تعدیل‌گر در رسانه‌ها روز به روز در حال افزایش است (براون<sup>7</sup>، 2015). امروزه هیچ نشانه‌ای از محدود شدن فرهنگ افراد مشهور<sup>8</sup> و گسترش آن مشاهده نمی‌شود (ترنر<sup>9</sup>، 2010) و اشخاص مشهور، به افرادی قابل پرستش تبدیل گردیده‌اند که می‌توانند کارکردهای بسیاری مانند مدل‌های نقش آرمانی (بانند و دروگوس<sup>10</sup>، 2014)، محرک هویت شخصی (مالتی، مک-کاتچئون، اش و هوران<sup>11</sup>، 2001)، دوست یا معشوقه خیالی (هورتون و وهل<sup>12</sup>، 1956) و یا همگی این

13. Greenwood, McCutcheon, Collisson, & Wong

14. Horton & Wohl

15. Caughey

16. Imaginary social relationship

17. Stever

18. Aruguete, Griffith, Edman, Green, & McCutcheon

19. Delusional one-sided relationships

20. Maltby, Houran, & McCutcheon

21. Celebrity worship

1. Greene & Adams-Price

2. Raviv et al

3. Yue & Cheung

4. Parasocial interaction

5. Erotomanic type of delusional disorder

6. Maltby, Houran & McCutcheon

7. Brown

8. Celebrity culture

9. Turner

10. Bond & Drogos

11. Maltby, McCutcheon, Ashe, & Houran

12. Horton & Wohl

افراد مشهور از سه مجموعه رفتار تشکیل می‌شود. سطح سرگرمی - اجتماعی<sup>6</sup> که سطح ابتدایی و منعکس‌کننده جنبه‌های اجتماعی و درآمیختگی با افراد مشهور است. سطح اشتیاق<sup>7</sup> که بیانگر اشتیاق‌ها و احساسات و سواس گونه است و سطح مرزی - بیمارگونه<sup>8</sup> که به معنای واقعی پرستش افراد مشهور را شامل می‌شود (مک کاتچئون، اش، هوران و مالتبی<sup>9</sup>، 2003). هر یک از سطوح سرگرمی - اجتماعی، اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه می‌توانند پیامدهای منفی را موجب شوند که البته از این بین، سطح مرزی - بیمارگونه می‌تواند نتایج منفی بسیار شدیدتر و جدی‌تری را در پی داشته باشد (زسیلا، مک-کاتچئون و دمتروویکس<sup>10</sup>، 2018؛ کولیسون، براون، مک‌کاتچئون، بریت و براون<sup>11</sup>، 2018).

پژوهش‌های صورت گرفته، نقش و اهمیت پرستش افراد مشهور را با طیف گسترده‌ای از متغیرهای روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و البته اقتصادی نشان می‌دهند. مطالعات مختلف بیانگر ارتباط پرستش افراد مشهور با پدیده‌هایی همچون سلامت روان (مالتبی و همکاران، 2004)، بهزیستی روان‌شناختی (مالتبی، مک‌کاتچئون، اش و هوران<sup>12</sup>، 2001)، شخصیت (مالتبی، مک کاتچئون و لوینگر<sup>13</sup>، 2011)، خجالت (اش و

2018). مک کاتچئون، لانگ و هوران<sup>2</sup> (2002) برای تبیین پدیده پرستش افراد مشهور، مدل جذب - اعتیاد<sup>3</sup> را بیان می‌کنند. بر اساس مدل جذب - اعتیاد، ساختار شخصیت معیوب در بعضی افراد منجر به تسهیل فرآیند جذب شدن به افراد مشهور برای تشکیل هویت و احساس تکمیل شدن<sup>4</sup> می‌شود. پویایی نیروی انگیزشی که از این تعلق و جذب شدن ناشی می‌گردد، می‌تواند شکل اعتیاد به خود بگیرد و رفتارهای افراطی و حتی هذیانی برای حفظ روابط یک‌طرفه را در پی داشته باشد. تحقیقات مختلف صورت گرفته در رابطه با پرستش افراد مشهور، تأییدکننده مدل جذب - اعتیاد هستند و سه سطح را پیشنهاد می‌کنند که نگرش‌ها و رفتارهای افراطی مرتبط با افراد مشهور را شامل می‌شوند (مک کاتچئون، لانگ و هوران، 2002؛ مالتبی، هوران، لانگ، اش و مک-کاتچئون<sup>5</sup>، 2002). سطوح کم پرستش به صورت رفتارهای فردی همچون تماشا و خواندن در رابطه با افراد مشهور مشخص می‌شوند. در سطوح کمی بالاتر، پرستش مشخصه‌ها و ماهیت‌های اجتماعی بیشتری را در بر می‌گیرد و در نهایت بالاترین سطوح شامل ترکیبی از همدلی با موفقیت‌ها و شکست‌ها، شناسایی بیش از حد و رفتارهای تکانشی مانند سواس در جزئیات زندگی افراد مشهور می‌باشند (مک کاتچئون، لانگ و هوران، 2002). به بیانی دیگر، پرستش

6. Entertainment-social

7. Intense-personal

8. Borderline-pathological

9. McCutcheon, Ashe, Houran, & Maltby

10. Zsila, McCutcheon, & Demetrovics

11. Collisson, Browne, McCutcheon, Britt, & Browne

12. Maltby, McCutcheon, Ashe, & Houran

13. Maltby, McCutcheon & Lowinger

1. Ang & Chan

2. McCutcheon, Lange & Houran

3. Absorption-addiction

4. Fulfilment

5. Maltby, Houran, Lange, Ashe, & McCutcheon

رفتارهای غیرقانونی مثل دانلود غیرمجاز (وانگ، چن، یانگ و فارن<sup>16</sup>، 2009)، تبهکاری<sup>17</sup> (شریدان و همکاران، 2007) و حتی ابعاد مرتبط با توریسم مانند آشنایی و تمایل به سفر<sup>18</sup> به کشوری (لی، اسکات و کیم<sup>19</sup>، 2008) هستند که حاکی از چندبعدی بودن و اهمیت توصیف، بررسی و تبیین پدیده پرستش افراد مشهور می‌باشند.

از جمله موضوعاتی که در رابطه با پرستش افراد مشهور می‌توان به آن اشاره کرد، بهزیستی روان‌شناختی است. بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان کارکردها و تجارب روان‌شناختی بهینه<sup>20</sup> در دهه‌های گذشته بسیار مورد توجه قرار گرفته است و با طیف گسترده‌ای از متغیرها در ارتباط است. دلایل نظری و عملی بسیاری وجود دارند که حاکی از چندبعدی بودن مفهوم بهزیستی و ارتباط آن با دامنه‌های مختلف زندگی می‌باشند (هاپرت و سو<sup>21</sup>، 2013). ریف (1989) در تبیین مفهوم بهزیستی، شش معیار پذیرش خود<sup>22</sup>، تسلط محیطی<sup>23</sup>، رابطه مثبت با دیگران<sup>24</sup>، داشتن هدف در زندگی<sup>25</sup>، رشد شخصی<sup>26</sup> و استقلال<sup>27</sup> را مطرح می‌کند. پذیرش خود بالا به نگرش مثبت به خود، آگاهی و پذیرش جنبه‌های چندگانه خود

مک‌کاتچئون، 2001)، روابط صمیمی بین فردی (مک‌کاتچئون، جیلن، براون، مورتاق و کولیسون<sup>1</sup>، کولیسون<sup>1</sup>، 2016)، روابط فرا اجتماعی (براون، 2015)، تنهایی (اش و مک‌کاتچئون، 2001)، هویت‌یابی (براون، 2015)، خلق (براون و تیگمن<sup>2</sup>، 2016)، عزت‌نفس (نورث، شریدان، مالتبی و جیلت<sup>3</sup>، 2007)، خودشیفتگی (اش، مالتبی و مک‌کاتچئون<sup>4</sup>، 2005)، ضعف‌های شناختی (مک‌کاتچئون و همکاران، 2003)، سبک‌های اسناد دهی (نورث و همکاران، 2007)، وضوح تصور از خود<sup>5</sup> (ریوس، بیکر و ترالاک<sup>6</sup>، 2012)، پذیرش جراحی زیبایی (سوامی، تیلور و کاروالهو<sup>7</sup>، 2009)، انگیزش مانند انگیزه تماشای تلویزیون (مارتین، مک‌کاتچئون و کایانوس<sup>8</sup>، 2015)، استعداد فانتزی<sup>9</sup> و تجزیه<sup>10</sup> (مالتبی، دی، مک‌کاتچئون، مارتین و کایانوس<sup>11</sup>، 2006)، ماده‌گرایی<sup>12</sup> (ریوس، بیکر و ترالاک، 2012)، جهت‌گیری مذهبی<sup>13</sup> (مالتبی و همکاران، 2002)، خرید وسواس‌گونه<sup>14</sup> (ریوس، بیکر و ترالاک، 2012)، اعتیاد (شریدان، نورث، مالتبی و جیلت<sup>15</sup>، 2007)،

16. Wang, Chen., Yang, & Farn

17. Criminality

18. Familiarity and visitation intentions

19. Lee, Scott & Kim

20. Optimal

21. Huppert & So

22. Self-acceptance

23. Environmental mastery

24. Positive relations with others

25. Purpose in life

26. Personal growth

27. Autonomy

1. McCutcheon, Gillen, Browne, Murtagh, & Collisson

2. Brown & Tiggemann

3. Attributional style

4. Ashe, Maltby & McCutcheon

5. Self-concept clarity

6. Reeves, Baker & Truluck

7. Swami, Taylor & Carvalho

8. Martin, McCutcheon & Cayanus

9. Fantasy proneness

10. Dissociation

11. Maltby, Day, McCutcheon, Houran, & Ashe

12. Materialism

13. Religious orientation

14. Compulsive buying

15. Sheridan, North, Maltby, & Gillett

اعم از ابعاد خوب و بد و احساس مثبت نسبت به گذشته اشاره دارد. در مقابل پذیرش خود پایین، احساس نارضایتی نسبت به خود و بعضی از مشخصه‌های شخصیت و تمایل به متفاوت بودن را شامل می‌شود. تسلط محیطی به صورت احساس تسلط و کنترل در مدیریت محیط و فعالیت‌های بیرونی، استفاده مفید از فرصت‌های موجود و توانایی انتخاب و ساخت زمینه‌های مناسب برای نیازهای و ارزش‌های شخصی تعریف می‌گردد. رابطه مثبت با دیگران نیز شامل میزان گرمی، رضایت و اعتماد در ارتباطات است. داشتن هدف در زندگی به‌عنوان بعد دیگری از بهزیستی، متشکل از دارا بودن اهداف و معنا در زندگی است. رشد شخصی نیز به احساس رشد مداوم خود اشاره دارد. همچنین استقلال بالا به صورت توانایی بالا در مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی، تنظیم رفتارها از درون و ارزیابی خود بر اساس استانداردهای شخصی تعریف می‌گردد. درحالی‌که استقلال پایین نگرانی از انتظارات و ارزیابی‌های دیگران و تأثیرپذیری از فشارهای اجتماعی در بر دارد (ریف، 1989).

بر طبق مدل جذب - اعتیاد پرستش افراد مشهور مک‌کاتچئون، لانگ و هوران (2002)، ستایش اشخاص مشهور با بهزیستی روان‌شناختی کمتر همراه است (مالتبی و همکاران، 2001). البته ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی یک رابطه ساده نیست بلکه یک تعامل فرهنگی پیچیده بین افراد و پرستش اشخاص مشهور است (جکینز<sup>1</sup>، 1992؛ جنسون<sup>2</sup>،

جنسون<sup>2</sup>، 1992؛ به نقل از مالتبی و همکاران، 2001). مالتبی و همکاران (2001) برای سنجش نقش پرستش افراد مشهور در بهزیستی روان‌شناختی به بررسی ارتباط سطوح مختلف پرستش افراد مشهور با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی پرداختند. نتایج همبستگی‌ها بیانگر تأثیرپذیری بهزیستی روان‌شناختی از پرستش اشخاص مشهور بودند. همچنین نتایج نشان دادند، زیرمقیاس سرگرمی - اجتماعی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از ناکارآمدی اجتماعی و نشانه‌های افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند و زیرمقیاس اشتیاق - شخصی هم به طور مشخصی در پیش - بینی افسردگی و اضطراب نقش دارد. در مطالعه‌ای دیگر، مالتبی و همکاران (2004) با استفاده از ابزارهای سنجش شخصیت، سبک‌های مقابله، سلامت کلی، تنش، عواطف مثبت و منفی و رضایت از زندگی به بررسی ارتباط پرستش افراد مشهور با سلامت ذهنی و روانی پرداختند. نتایج حاکی از تأثیر منفی پرستش افراد مشهور بر سلامت ذهنی و روانی بودند. بدین معنا که شرکت‌کنندگان با سطوح بالاتر پرستش افراد مشهور، سطوح بالاتر اضطراب، افسردگی، نشانه‌های جسمانی و ناکارآمدی اجتماعی و سطوح پایین‌تر رضایت زندگی و عواطف مثبت را گزارش دادند. همچنین در پژوهش ریوس، بیکر و ترالاک (2012) به بررسی ارتباط پرستش افراد مشهور با متغیرهای مرتبط با بهزیستی همچون استعداد کسلی<sup>3</sup>، عزت‌نفس و رضایت از زندگی پرداخته شد. نتایج نشان دادند، پرستش افراد

2 Jenson

3. Boredom proneness

1. Jenkins

نشان دادند که حاکی از نقص در حافظه فعال، انعطاف‌پذیری شناختی و توانایی ایجاد ارتباطات کلامی بود. همچنین مک کاتچئون و همکاران (2003) عنوان می‌کنند، اشخاص شیفته افراد مشهور، نمرات کمتری در آزمون‌های شناختی کسب می‌کنند. بر همین اساس، انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان یک توانایی شناختی بسیار مهم از جمله متغیرهایی است که انتظار می‌رود در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی مؤثر باشد. انعطاف‌پذیری شناختی جنبه مهمی از عملکرد اجرایی تلقی می‌شود که توانایی انطباق مؤثر با تکالیف متغیر تعریف می‌گردد. با توجه به تغییر دائمی محیط، نیازها و اهداف، انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان عاملی بسیار مهم در بقا شناخته می‌شود (داربی، کاسترو، و سرمن و اسلوتسکی<sup>8</sup>، 2018). مک کاتچئون و همکاران (2003) نقص شناختی را در پرستش افراد مشهور گزارش می‌دهند. مالتبی و همکاران (2004) بیان می‌کنند، انعطاف‌پذیری شناختی نقشی مهم در پیش‌بینی بعد مرزی - بیمارگونه پرستش افراد مشهور دارد. نتایج پژوهش مارتین و همکاران (2003) نشان می‌دهند، انعطاف‌پذیری شناختی با دو بعد اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه مربوط به پرستش افراد مشهور همبستگی منفی دارد. شباهنگ، بشارت، نیکوگفتار و باقری شیخانگفشه (1398) نیز از انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان عاملی مؤثر در پرستش افراد مشهور نام می‌برند. بدین معنا که انعطاف‌پذیری شناختی و زیر مؤلفه‌های آن شامل ادراک

مشهور به صورت معناداری با سطوح پایین‌تر بهزیستی مرتبط است که تأییدکننده نظریه‌های جذب - اعتیاد و خود تهی<sup>1</sup> است. در واقع با توجه به نتایج مطالعات صورت گرفته در مورد ارتباط پرستش افراد مشهور با موضوعاتی همچون شخصیت (مالتبی، مک کاتچئون و لوینگر، 2011)، هویت‌یابی (براون، 2015)، روابط صمیمی بین-فردی (مک کاتچئون و همکاران، 2016)، خلق (براون و تیگمن، 2016) و انگیزش (مارتین، مک کاتچئون و کایانوس، 2015)، می‌توان رابطه پرستش افراد مشهور را با متغیرهای مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی متصور بود.

البته در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی، عوامل بسیاری می‌توانند دخیل باشند و بر این ارتباط مؤثر واقع شوند. پژوهش‌ها ارتباط متغیرها و ابعاد شناختی خاصی را با پرستش افراد مشهور گزارش می‌دهند (مالتبی و همکاران، 2004). لوی<sup>2</sup> (1979) طی مطالعه‌اش، همبستگی منفی تحصیلات و ستایش افراد مشهور را بیان می‌کند. فوجی، احمد و تاکشیتا<sup>3</sup> (1999) با مطالعه دو مورد اروتومانیا<sup>4</sup> مطرح می‌کنند، در نیمرخ عصب روان‌شناختی<sup>5</sup> آن‌ها نقص‌هایی وجود دارد. علاوه بر آن، نقص‌هایی در آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین<sup>6</sup>، آزمون هوش وکسلر<sup>7</sup> و دیگر آزمون‌های عصب روان‌شناختی

1. Empty self
2. Levy
3. Fujii, Ahmed & Takeshita
4. Erotomania
5. Neuropsychological profile
6. Wisconsin card sort test
7. Wechsler memory scale

8. Darby, Castro, Wasserman, & Sloutsky

پژوهش، سن کمتر از 40 سال، رضایت و تمایل شخصی بود و ملاک‌های خروج از تحقیق، وجود اختلالات جسمانی و روانی ناتوان‌کننده قابل مشاهده، عدم رضایت و تمایل شخصی را شامل می‌شد. لازم به ذکر است که تمامی مجوزهای لازم قبل از اجرای پژوهش از سازمان‌های مربوطه گرفته شد. همچنین ملاحظات اخلاقی در این پژوهش کاملاً رعایت شد. شرکت‌کنندگان با رضایت کامل در محیطی آرام و بدون تنیدگی، مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور - 23 گویه‌ای، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف - 18 گویه‌ای و پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی را تکمیل نمودند. در انتها داده‌های به دست آمده با استفاده روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند.

**ابزارهای به کار رفته در پژوهش به شرح زیر است:** برای سنجش پرستش افراد مشهور از مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور - 23 گویه‌ای<sup>1</sup> استفاده شد. مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور برای شناسایی افراد بیش از حد جذب شده<sup>2</sup> یا معتاد<sup>3</sup> به افراد مشهور مورد استفاده قرار می‌گیرد که به صورت لیکرت پنج گزینه‌ای (1= کاملاً مخالف تا 5= کاملاً موافق) پاسخ‌دهی و نمره‌گذاری می‌شود (مک کاتچئون، لانگ و هوران، 2002). مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور از سه سرگرمی - اجتماعی<sup>4</sup>، اشتیاق - شخصی<sup>5</sup> و مرزی -

کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار قادر به پیش‌بینی پرستش افراد مشهور بودند.

در همین راستا، بررسی پدیده پرستش افراد مشهور به‌عنوان موضوعی پیچیده، چندبعدی و البته در حال گسترش که می‌توان پیامدهای منفی بسیاری همچون بهزیستی پایین روان‌شناختی را در پی داشته باشد، بسیار الزامی است. نبود مطالعات کافی در خارج و داخل کشور و همچنین عدم توجه به ارتباط غیرمستقیم پرستش افراد مشهور با بهزیستی روان‌شناختی، اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند. پی بردن به این مسئله که آیا ارتباطی بین پرستش افراد مشهور، بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی وجود دارد یا خیر و همچنین فهم این نکته که آیا در این ارتباط، انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند نقش میانجی را ایفا کند یا خیر، بسیار مهم تلقی می‌شود. بر همین اساس هدف از پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی است.

## روش

طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه گیلان در سال 1397 بود. نمونه‌ها 150 دانشجوی خانم و 150 دانشجوی آقا و در مجموع 300 دانشجوی خانم و آقا را شامل می‌شدند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به تحقیق، تعلق به جامعه

1. Celebrity worship attitude-23 items
2. Absorbed
3. Addicted
4. Entertainment-social
5. Intense-personal

بیمارگونه<sup>1</sup> تشکیل شده است (مک‌کاتچئون، لانگ و هوران، 2003؛ مالتبی و همکاران، 2004). این مقیاس در نسخه‌های 32 گویه‌ای، 23 گویه‌ای و 22 گویه‌ای در دسترس است (سانسون و سانسون<sup>2</sup>، 2014). نسخه اصلی مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور متشکل از 32 گویه، توسط مک‌کاتچئون، لانگ و هوران (2002) طراحی گردیده است. مک‌کاتچئون، لانگ و هوران (2002) همسانی درونی و روایی همگرا مناسبی را برای نسخه 32 گویه‌ای مقیاس بیان می‌کنند. همچنین نتایج به دست آمده، اعتبار و روایی نسخه‌های 23 گویه‌ای و 22 گویه‌ای مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور را نشان می‌دهند (مالتبی و همکاران، 2004؛ مالتبی، مک‌کاتچئون و لوینگر<sup>3</sup>، 2011). در مطالعه ریویس، بیکر و ترولاک (2012) آلفای کرونباخ برای کل مقیاس 0/92، زیرمقیاس سرگرمی - اجتماعی 0/89، زیرمقیاس اشتیاق - شخصی 0/81 و زیرمقیاس مرزی - بیمارگونه 0/46 به دست آمد. مک‌کاتچئون و همکاران (2003) نیز برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های سرگرمی - اجتماعی، اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه به ترتیب آلفای کرونباخ 0/89، 0/77، 0/87 و 0/58 بیان می‌کنند. همچنین در ایران، شباهنگ و همکاران (1398)، آلفای کرونباخ کل مقیاس 0/92 و زیرمقیاس‌های سرگرمی - اجتماعی، اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه را به ترتیب 0/83، 0/90 و 0/85 بیان می‌کنند.

بیمارگونه<sup>1</sup> تشکیل شده است (مک‌کاتچئون، لانگ و هوران، 2003؛ مالتبی و همکاران، 2004). این مقیاس در نسخه‌های 32 گویه‌ای، 23 گویه‌ای و 22 گویه‌ای در دسترس است (سانسون و سانسون<sup>2</sup>، 2014). نسخه اصلی مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور متشکل از 32 گویه، توسط مک‌کاتچئون، لانگ و هوران (2002) طراحی گردیده است. مک‌کاتچئون، لانگ و هوران (2002) همسانی درونی و روایی همگرا مناسبی را برای نسخه 32 گویه‌ای مقیاس بیان می‌کنند. همچنین نتایج به دست آمده، اعتبار و روایی نسخه‌های 23 گویه‌ای و 22 گویه‌ای مقیاس نگرش نسبت به افراد مشهور را نشان می‌دهند (مالتبی و همکاران، 2004؛ مالتبی، مک‌کاتچئون و لوینگر<sup>3</sup>، 2011). در مطالعه ریویس، بیکر و ترولاک (2012) آلفای کرونباخ برای کل مقیاس 0/92، زیرمقیاس سرگرمی - اجتماعی 0/89، زیرمقیاس اشتیاق - شخصی 0/81 و زیرمقیاس مرزی - بیمارگونه 0/46 به دست آمد. مک‌کاتچئون و همکاران (2003) نیز برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های سرگرمی - اجتماعی، اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه به ترتیب آلفای کرونباخ 0/89، 0/77، 0/87 و 0/58 بیان می‌کنند. همچنین در ایران، شباهنگ و همکاران (1398)، آلفای کرونباخ کل مقیاس 0/92 و زیرمقیاس‌های سرگرمی - اجتماعی، اشتیاق - شخصی و مرزی - بیمارگونه را به ترتیب 0/83، 0/90 و 0/85 بیان می‌کنند.

برای سنجش بهزیستی روان‌شناختی، از مقیاس

4. Ryff's scale of psychological wellbeing- 18 items  
5. Ryff  
6. Abbott et al  
7. Ryff & Singer

1. Borderline-personal  
2. Sansone & Sansone  
3. Maltby, McCutcheon & Lowinger



شماره، فرمانی و سلطانی ضریب اعتبار بازآزمایی کل  
مقیاس و خرده مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری،  
ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار را به  
ترتیب 0/71، 0/55، 0/72 و 0/57 مطرح می‌کنند و  
در رابطه با ضرایب آلفا کرونباخ نیز برای کل مقیاس  
0/90، خرده مقیاس ادراک کنترل‌پذیری 0/87، خرده  
مقیاس ادراک گزینه‌های مختلف 0/89 و خرده  
مقیاس ادراک توجیه رفتار 0/55 گزارش می‌دهند  
(به نقل از سلطانی و همکاران، 1392). در مطالعه  
پادروند و همکاران (1393) نیز آلفا کرونباخ کل  
مقیاس و خرده مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری،  
ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به  
ترتیب 0/86، 0/78، 0/81 و 0/65 به دست آمد.  
همچنین قدرتی میرکوهی، بالداران و عبداللهی  
بقرآبادی (1396) آلفا کرونباخ کل مقیاس را 0/76  
گزارش می‌دهند.

#### یافته‌ها

در جدول 1 شاخص‌های توصیفی متغیرها شامل  
میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی  
ارائه شده‌اند. کلین<sup>4</sup> (2011) پیشنهاد می‌کند که در  
مدل‌یابی علی، توزیع متغیرها باید نرمال باشد. او  
پیشنهاد می‌کند که قدر مطلق چولگی و کشیدگی  
متغیرها به ترتیب نباید از 3 و 10 بیشتر باشد. با  
توجه به جدول شماره 1 قدر مطلق چولگی و  
کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از یک است؛ بنابراین  
این پیش‌فرض مدل‌یابی علی یعنی نرمال بودن تک  
متغیری برقرار است. در جدول شماره 2 ماتریس  
همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده‌اند.

0/72، 0/76، 0/73، 0/75، 0/52 و 0/51 بیان می‌کنند.  
همچنین از پرسشنامه انعطاف‌پذیری  
شناختی<sup>1</sup> دنیس و واند وال<sup>2</sup> (2010) برای  
سنجش نوعی انعطاف‌پذیری شناختی که برای  
موفقیت در به چالش کشیدن و جایگزین کردن  
افکار ناسازگار با افکار متعادل‌تر و انطباقی الزامی  
است، استفاده شد. این پرسشنامه، 20 سؤال را  
شامل می‌شود که به صورت لیکرت 7 درجه‌ای  
پاسخ‌دهی و نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه  
انعطاف‌پذیری شناختی سه جنبه از انعطاف‌پذیری  
شناختی یعنی تمایل به ادراک موقعیت‌های دشوار  
به صورت قابل‌کنترل، توانایی ادراک توجیهات  
چندگانه جایگزین برای رویدادهای زندگی و  
رفتارهای انسان و همچنین توانایی تولید راه‌حل‌های  
چندگانه جایگزین برای موقعیت‌های دشوار را  
ارزیابی می‌کند (دنیس و واند وال، 2010). البته دو  
عامل ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار  
یک معنی دارند و عامل کنترل به‌عنوان خرده مقیاس  
دوم تلقی می‌شود. دنیس و واند وال (2010)  
گزارش می‌دهند، روایی هم‌زمان مقیاس  
انعطاف‌پذیری شناختی با پرسشنامه افسردگی بک  
0/39- و روایی همگرا آن با مقیاس انعطاف‌پذیری  
(مارتین و رابین<sup>3</sup>، 1995) 0/75 به دست آمد.  
همچنین دنیس و واند وال (2010) پایایی مقیاس را  
با روش آلفا کرونباخ برای کل مقیاس، ادراک  
کنترل‌پذیری و ادراک گزینه‌های مختلف به ترتیب  
0/91، 0/84 و 0/91 و با استفاده از روش بازآزمایی  
به ترتیب 0/81، 0/77 و 0/75 بیان می‌کنند. در ایران

1. Cognitive flexibility inventory

2. Dennis & Vander Wal

3. Martin & Rubin

4. Kline

جدول 1. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	جولگی	کشیدگی
پرستش افراد مشهور	66/04	10/87	0/77	-0/64
انعطاف‌پذیری شناختی	93/65	10/66	-0/22	-1/14
بهزیستی روان‌شناختی	66/87	7/37	-1/11	0/70

جدول 2. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	1	2	3
1	پرستش افراد مشهور	1		
2	انعطاف‌پذیری شناختی	-0/35**	1	
3	بهزیستی روان‌شناختی	-0/30**	0/25**	1

\*\*p < 0/01

مدل یابی معادلات ساختاری است (ویرا<sup>4</sup>، 2011)؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق در پژوهش حاضر از رویکرد تراکم سازی جزئی برای انجام مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. از روش بیشینه احتمال برای آزمون الگوی نظری پژوهش و برازش آن با داده‌های گردآوری شده استفاده شد. استفاده از این روش نیازمند نرمال بودن چندمتغیره متغیرها است. در پژوهش برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا استفاده شد. این عدد در پژوهش حاضر 38/91 به دست آمد که کمتر از عدد 168 است که از طریق فرمول  $p(p+2)$  محاسبه شده است. در این فرمول  $p$  مساوی است با تعداد متغیرهای مشاهده شده که در این پژوهش 12 است (تئو و نویس<sup>5</sup>، 2012).

با توجه به جدول شماره 2، رابطه پرستش افراد مشهور با انعطاف‌پذیری شناختی (-0/35) و بهزیستی روان‌شناختی (-0/30) منفی و معنی‌دار است. رابطه انعطاف‌پذیری شناختی با بهزیستی روان‌شناختی (0/25) مثبت و معنی‌دار است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق روش مدل یابی معادلات ساختاری، سه رویکرد تراکم سازی کلی<sup>1</sup> (استفاده از نمره کل یک متغیر به‌عنوان نشانگر متغیر مکنون)، تراکم سازی جزئی<sup>2</sup> (استفاده از مؤلفه‌های پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیر مکنون) و نامتراکم سازی کلی<sup>3</sup> (استفاده از سؤالات پرسشنامه به‌عنوان نشانگرهای متغیرهای مکنون) در دسترس پژوهشگران است که روش تراکم سازی جزئی بهترین روش برای

1. Total aggregation,
2. Partial aggregation
3. Total disaggregation

4. Vieira  
5. Teo & Noyes

لازم به ذکر است که از نرم افزار ایموس نسخه 22 برای تجزیه تحلیل داده‌ها استفاده شد. در جدول شماره 3، شاخص‌های برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد به تفکیک گزارش شده‌اند. در این پژوهش شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) و ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) به عنوان شاخص‌های برازش مطلق، شاخص برازش شده (NFI) و شاخص برازش هنجار نشده (NNFI) به عنوان شاخص‌های برازش تطبیقی و مجذور خی بر درجه آزادی ( $X^2/df$ )، شاخص برازش ایجاز (PNFI) و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) به عنوان شاخص‌های برازش مقتصد در نظر گرفته شدند.

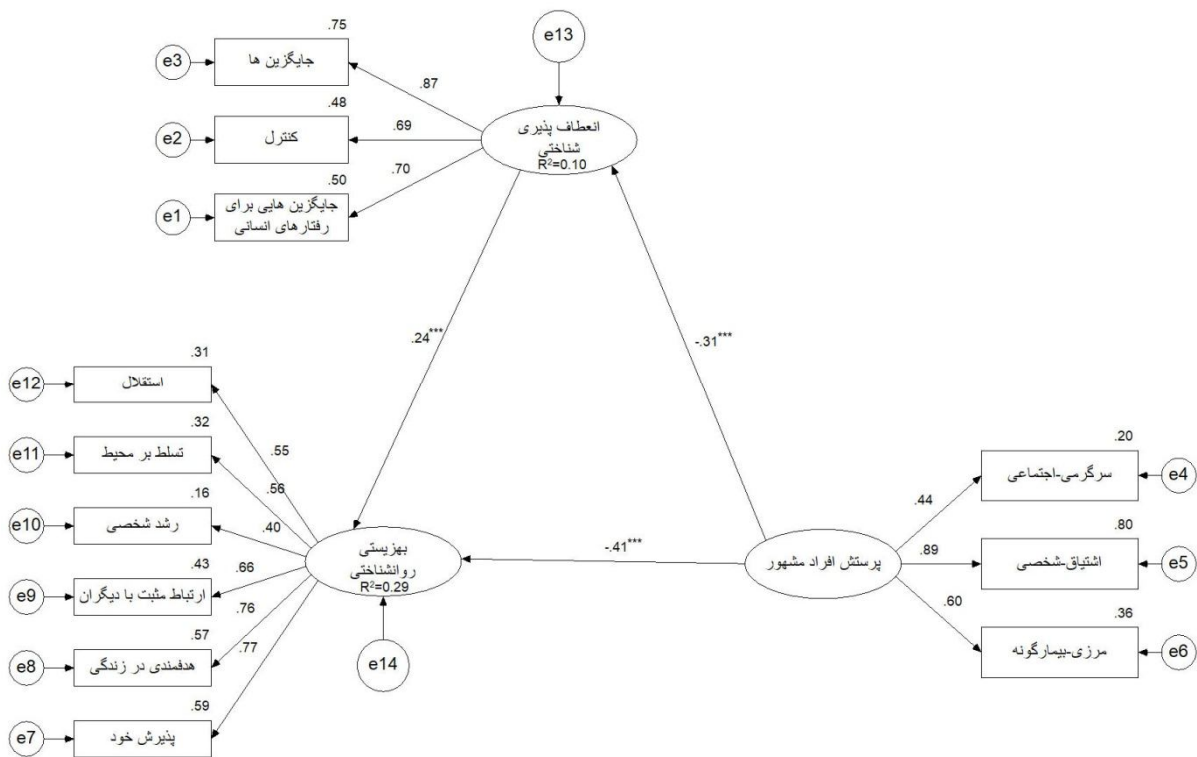
جدول 3. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

شاخص‌های برازش مطلق			
شاخص	GFI	AGFI	SRMR
مقدار به دست آمده	0/98	0/95	0/02
حد قابل پذیرش	بیشتر از 0/90	بیشتر از 0/80	کمتر از 0/05
شاخص‌های برازش تطبیقی			
شاخص	CFI	NFI	NNFI
مقدار به دست آمده	0/98	0/97	0/98
حد قابل پذیرش	بیشتر از 0/90	بیشتر از 0/90	بیشتر از 0/90
شاخص‌های برازش تعدیل یافته			
شاخص	X <sup>2</sup> /df	PNFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	2/63	0/66	0/05
حد قابل پذیرش	کمتر از 3	بیشتر از 0/60	کمتر از 0/08

مطلوبی قرار دارند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد. در شکل 2 مدل آزمون شده پژوهش نشان داده شده است.

در جدول 3، مقادیر به دست آمده در پژوهش حاضر و حد قابل پذیرش هر یک از شاخص‌های برازش گزارش شده‌اند. با توجه به این جدول تمامی شاخص‌های برازش در حد

رضا شباهنگ و همکاران: تحلیل ساختاری ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی؛ نقش میانجی ...



شکل 1. الگوی آزمون شده پژوهش

انعطاف‌پذیری شناختی را پیش‌بینی می‌کند. در جدول 4 نتایج مربوط به اثرات مستقیم متغیرها گزارش شده است.

با توجه به شکل 2، پرستش افراد مشهور و انعطاف‌پذیری شناختی در مجموع 29 درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی را تبیین می‌کنند. پرستش افراد مشهور نیز 10 درصد از تغییرات

جدول 4. نتایج مربوط به اثرات مستقیم

مسیر	برآورد پارامتر	ضریب مسیر	خطای استاندارد برآورد	آماره t	سطح معنی‌داری
به روی بهزیستی روان‌شناختی از پرستش افراد مشهور	-0/23	-0/41	0/04	-5/05	0/001
انعطاف‌پذیری شناختی	0/21	0/24	0/05	3/76	0/001
به روی انعطاف‌پذیری شناختی از پرستش افراد مشهور	-0/21	-0/31	0/04	-4/38	0/001

انعطاف‌پذیری شناختی (-0/31) منفی و در سطح 0/001 معنی‌دار است. اثر مستقیم انعطاف‌پذیری

با توجه به جدول 4، اثر مستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی (-0/41) و

مفید است. 3 علت اساسی، استفاده از این روش را در مطالعه حاضر توجیه می‌کند. اول آنکه در آزمون سوبل مشکل مربوط به توزیع غیر نرمال اثر غیرمستقیم نمونه وجود دارد و چون روش بوت استرپ باز نمود تجربی توزیع اثر غیرمستقیم نمونه را فراهم می‌آورد، دیگر پژوهشگر با چنین مشکلی روبرو نیست و دوم اینکه روش بوت استرپ توان آماری بیشتری دارد. سوم اینکه امکان گرفتن داده‌های نمونه‌ای مجدد و یا اعتبار مقاطع با دو نیمه کردن نمونه‌ها امکان‌پذیر نبود. بر این اساس به منظور برآورد مربوط به پارامترهای اصلی مدل معادله ساختاری از روش بوت استرپ یا خودگردان سازی استفاده شد (چونگ و لاو<sup>1</sup>، 2007).

شناختی بر بهزیستی روان‌شناختی (0/24) مثبت و در سطح 0/001 معنی‌دار است. یکی از ویژگی‌های روش مدل یابی معادلات ساختاری، برآورد اثرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر است. این ویژگی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا نقش میانجی متغیرها را در مدل مورد بررسی قرار دهند. از روش بوت استرات برای تعیین معناداری اثر غیرمستقیم حساسیت پردازش حسی و سبک زندگی بر استرس ادراک شده استفاده گردید. بوت استرپ در برنامه AMOS توزیع نمونه‌گیری برآورد پارامترها و خطای معیار مربوط به آن را ارزیابی می‌کند. چنین ارزیابی برای تعیین مقاوم بودن پارامترها تحت مفروضه‌های نرمال بودن چند متغیره یا بد تدوین شدن مدل، مقایسه مدل‌های جایگزین و مقایسه روش‌های برآورد

جدول 5. نتایج مربوط به اثرات غیرمستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی

ضریب مسیر	خطای استاندارد برآورد	سطح معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
-0/08	0/02	0/01	-0/12	-0/04

### نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه پرستش افراد مشهور، بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی دانشجویان خانم و آقا دانشگاه گیلان در سال 1397 انجام گرفت. بر طبق نتایج به دست آمده، بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی به صورت منفی با پرستش افراد مشهور ارتباط داشتند. همچنین نتایج حاکی از معناداری اثر غیرمستقیم پرستش افراد مشهور بر

با توجه به جدول 5، اثر غیرمستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی (-0/08) در سطح 0/01 منفی و معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری شناختی نقش واسطه‌ای در ارتباط پرستش افراد مشهور با بهزیستی روان‌شناختی دارد؛ به عبارت دیگر پرستش افراد مشهور باعث کاهش انعطاف‌پذیری شناختی و کاهش این متغیر نیز باعث کاهش بهزیستی روان‌شناختی می‌شود.

ابزارهای سنجش شخصیت، سبک‌های مقابله، سلامت کلی، تنش، عواطف مثبت و منفی و رضایت از زندگی استفاده کردند. نتایج نشان دادند که پرستش افراد مشهور عاملی تاثیرگذار در سلامت ذهنی و روانی است. بدین صورت که افزایش سطوح پرستش افراد مشهور، افزایش اضطراب، نشانه‌های جسمانی و ناکارآمدی اجتماعی و کاهش رضایت زندگی و عواطف مثبت را پیش‌بینی می‌کند. همچنین ریوس، بیکر و ترالاک (2012) برای بررسی مدل جذب - اعتیاد و نظریه خود تهی در مورد پرستش افراد مشهور، با استفاده از مقیاس‌های نگرش نسبت به افراد مشهور، ماده‌گرایی، خرید وسواسی، روشنی تصور از خود و بسیاری دیگر از ابزارهای مرتبط با بهزیستی، به مطالعه 171 دانش‌آموزان پرداختند. نتایج بیانگر ارتباط پرستش افراد مشهور با سطوح پایین بهزیستی روان‌شناختی بود. نتایج مطالعه حاضر نیز هم راستا با مطالعات قبلی صورت گرفته، حاکی از آن است که پرستش افراد مشهور به صورت منفی با بهزیستی روان‌شناختی همبستگی دارد و اثر مستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی منفی و در سطح 0/001 معنی‌دار است. در واقع نتایج نشان می‌دهند که پرستش افراد مشهور به دلیل تأثیر بر ابعاد مختلفی همچون شخصیت، هویت، انگیزش، خلق، هیجان بر سلامت و بهزیستی روان‌شناختی مؤثر واقع می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش‌ها باید اذعان داشت، پرستش افراد مشهور از طریق ارتباطی که با ابعاد بسیاری مهمی مانند شخصیت (مالتبی، مک‌کاتچئون و لوینگر، 2011)، هویت و هویت‌یابی

بهزیستی روان‌شناختی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی بودند که بیانگر نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی بودند. پرستش افراد مشهور به‌عنوان ارتباط اجتماعی یک‌طرفه با اشخاص مشهور (استیور، 2011) که جذب شدن، ادغام شدن (مک‌کاتچئون، لانگ و هوران، 2002)، احترام بسیار زیاد، نادیده گرفتن ضعف‌ها و دلیل‌تراشی برای ناسازگاری‌های افراد مشهور را شامل می‌شود (آراگت و همکاران، 2014) می‌تواند با دامنه وسیعی از متغیرهای شناختی، رفتاری، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی در رابطه داشته باشد. از جمله موضوعاتی که می‌توان در ارتباط با پرستش افراد مشهور متصور بود، بهزیستی روان‌شناختی است. بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان کارکردها و تجارب روان‌شناختی بهینه (دسی و ریان، 2008) متشکل از شش بعد پذیرش خود، تسلط محیطی، رابطه مثبت با دیگران، داشتن هدف در زندگی، رشد شخصی و استقلال است (ریف، 1989) که می‌تواند از پرستش افراد مشهور تأثیر بپذیرد. مالتبی و همکاران (2001) بیان می‌کنند، پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی افراد مؤثر است. بدین معنا که زیرمقیاس‌های سرگرمی - اجتماعی و اشتیاق - شخصی به صورت قابل ملاحظه‌ای از ناکارآمدی اجتماعی، نشانه‌های افسردگی و اضطراب را پیش‌بینی می‌کنند. مالتبی و همکاران (2004) در پژوهشی دیگر برای سنجش ارتباط پرستش افراد مشهور با متغیرهای مرتبط با سلامت ذهنی و روان‌شناختی، از

افراد مشهور می‌باشند که از این بین، انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان جنبه مهمی از عملکرد اجرایی و توانایی انطباق مؤثر با تکالیف متغیر (داربی و همکاران، 2018) از جمله مهم‌ترین متغیرهای شناختی مرتبط با پرستش افراد مشهور است. نتایج پژوهش حاضر منطبق با تحقیقات پیشین بیانگر همبستگی منفی انعطاف‌پذیری شناختی با پرستش افراد مشهور است. بدین مفهوم که انعطاف‌پذیری شناختی افراد در میزان شیفتگی و تعاملات اجتماعی و فرا اجتماعی طرفداران با افراد مشهور مورد علاقه‌شان مؤثر است. همچنین نتایج نشان می‌دهند، انعطاف‌پذیری شناختی با بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبتی را داراست. در تبیین این موضوع می‌توان بیان کرد که هم راستا با نتایج مطالعات پیشین، توانایی انعطاف‌پذیری شناختی به واسطه تأثیراتی که بر مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری اشخاص می‌گذارد، بهزیستی روان‌شناختی متفاوتی را در افراد موجب می‌گردد.

همچنین در رابطه با فرض اصلی پژوهش یعنی نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی باید اذعان داشت که نتایج تأیید کننده این فرض هستند. در واقع بر اساس نتایج به دست آمده، اثر غیرمستقیم پرستش افراد مشهور بر بهزیستی روان‌شناختی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی در سطح 0/01 منفی و معنی‌دار است که حاکی از اهمیت انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی است. در تبیین نقش میانجی انعطاف‌پذیری

(براون، 2015)، تصور از خود (ریوس، بیکر و ترالاک، 2012)، شناخت (مک کاتچئون و همکاران، 2003)، اسنادهی (نورث و همکاران، 2007)، روابط بین‌فردی (مک‌کاتچئون و همکاران، 2016)، خلق (براون و تیگمن، 2016)، انگیزش (مارتین، مک کاتچئون و کایانوس، 2015)، رفتارهای غیرقانونی (وانگ و همکاران، 2009) و اعتیاد و تبهکاری (شریدان و همکاران، 2007) دارد، بر بهزیستی روان‌شناختی مؤثر واقع می‌شود. بدین معنا که با افزایش سطح پرستش افراد مشهور، کاهش بهزیستی روان‌شناختی و افزایش مشکلات مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی را می‌توان در نظر داشت. به بیانی دیگر، اشخاصی که به صورت افراطی غرق در افراد مشهور می‌شوند، به واسطه این وابستگی شدید و تأثیر افراد مشهور بر آن‌ها در ابعاد گسترده شناختی، رفتاری، هیجانی و عاطفی، بهزیستی کمتری دارند.

البته نکته حائز اهمیت در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی، کاملاً مستقیم نبودن این ارتباط است. نکته‌ای که حتی در مطالعات خارجی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. توانایی‌های شناختی و مشکلات مربوط به آن‌ها از جمله موضوعات بسیار مهمی است که می‌توانند در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی نقش مهمی را ایفا کنند. مطالعات لوی (1979)، فوجی، احمد و تاکشیتا (1999)، مک کاتچئون و همکاران (2003)، مارتین و همکاران (2003)، مالتبی و همکاران (2004) و شباهنگ و همکاران (1398) همگی حاکی از اهمیت ابعاد شناختی در پرستش

شناختی می‌توان اذعان داشت که پرستشگران افراد مشهور در مقایسه با افراد عادی که سطوح کمتر درآمیختگی با افراد مشهور را دارند، مشکلات شناختی بیشتری دارند و از سطوح کمتر توانایی انعطاف‌پذیری شناختی که عاملی بسیار برجسته در ایجاد، گسترش و نگهداری تعاملات است، برخوردار هستند. بر این اساس، انعطاف‌پذیری شناختی، در ارتباط بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی نقش میانجی را ایفا می‌کند و در تشدید و تعدیل این رابطه مؤثر واقع می‌شود؛ بنابراین استفاده از راهبردهایی برای بهبود انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند در کاهش پرستش افراد مشهور و در نتیجه کاهش مشکلات بهزیستی روان‌شناختی ناشی از پرستش اشخاص مشهور نقش مهمی را ایفا کنند.

در مجموع، باید اذعان داشت که به طور کلی سطوح زیاد درآمیختگی با افراد مشهور از طریق تأثیرات گوناگونی که در سطوح مختلف شناختی، هیجانی و رفتاری می‌گذارد، پیامدهای منفی مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی را به همراه می‌آورد. در این بین، انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در ایجاد و نگهداری ارتباطات، می‌توان نقش مهمی را رابطه بین پرستش افراد مشهور و بهزیستی روان‌شناختی ایفا کند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود با ارائه مداخلاتی در راستای بهبود انعطاف‌پذیری شناختی، کاهش درآمیختگی افراطی و در نتیجه آن کاهش بهزیستی روان‌شناختی را طرفداران موجب گردید.

در انتها بیان این نکات ضروری است که پژوهش حاضر دارای یکسری محدودیت‌ها است. جامعه

آماری این پژوهش دانشجویان خانم و آقا دانشگاه گیلان در سال 1397 بودند. به همین دلیل در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و مناطق دیگر باید جانب احتیاط رعایت شود. محدود بودن پژوهش به پرسشنامه‌های خودگزارشی نیز از دیگر محدودیت‌های پژوهش به شمار می‌رود. همچنین از تعداد زیاد سؤالات پرسشنامه‌ها و کسل‌آور بودن تکمیلشان نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از روش‌های چندبعدی‌تری و گسترده‌تری استفاده شود. همچنین عواملی مزاحم همچون شرایط زیستی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر به صورت کامل مهار نشدند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های دیگر با مهار و بررسی بیشتر متغیرهای بالا از طریق بررسی نقش میانجی یا تعدیل‌گر عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در پرستش افراد مشهور صورت بگیرند. انجام مطالعات آزمایشی در رابطه با پرستش افراد مشهور، بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند اطلاعات مشخص‌تری بدهند. به همین دلیل توصیه می‌شود، مطالعات آزمایشی در این رابطه صورت گیرد بدین معنا که آیا ارائه مداخلات و برنامه‌های بهبود انعطاف‌پذیری شناختی در کاهش مشکلات بهزیستی روان‌شناختی ناشی از پرستش افراد مشهور مؤثر واقع خواهد شد یا خیر. در انتها پیشنهاد می‌شود، ارتباط پرستش افراد مشهور با بهزیستی روان‌شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی در محیط‌های متفاوت و با حجم بیشتر شرکت‌کنندگان صورت بگیرد تا امکان مقایسه و تعمیم نتایج افزایش یابد.



## تشکر و قدردانی

نویسندگان بدین وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، قدردانی می‌کنند.

## تضاد منافع

این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی به دنبال نداشته است.

## منابع

- پادروند، ح؛ هاشمی رزینی، ه؛ رضایی فرد، ا؛ حسونند، ب؛ جوادی، ف (1393). «انعطاف‌پذیری شناختی و کنترل عواطف مادران دانش‌آموزان پسر نابینا». پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، 5(1)، 185-195.
- خانجانی، م؛ شهیدی، ش؛ فتح‌آبادی، ج؛ مظاهری، م.ع؛ شگری، ا (1393). «ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه (18 سؤالی) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر». اندیشه و رفتار، 8(32)، 27-36.
- سفیدی، ف؛ فرزاد و ا (1391). «روا سازی آزمون بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین (1388)». دانشگاه علوم پزشکی قزوین، 16(1)، 65-71.
- سلطانی، ا؛ شاره، ح؛ بحرینیان، س.ع؛ فرمانی، ا (2016). *Outcomes*, 4(76), 1-16.
- Ashe, D.D. & McCutcheon, L.E. (2001). "Shyness, Loneliness, and Attitude toward Celebrities". *Current Research in Social Psychology*, 6(9), 124-132.
- (1392). «نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری با افسردگی». پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، 2، 96-88.
- شباهنگ، ر؛ بشارت، م.ع؛ نیکوگفتار، م؛ باقری شیخانگفته، ف (1398). «نقش انعطاف‌پذیری شناختی و مشکلات در تنظیم هیجانی در پیش‌بینی پرستش افراد مشهور دانشجویان». دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، 20(1)، 25-13.
- قدرتی میرکوهی، م؛ بالداران، ن؛ عبداللهی بقرآبادی، ق (1396). «پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی افراد تحت درمان با متادون بر اساس فرانگرانی، اضطراب، مدت و میزان مصرف متادون». اعتیاد پژوهی، 11(42)، 181-196.
- Abbott, R.A., Ploubidis, G.B., Huppert, F.A., Kuh, D., Wadsworth, M.E.J. & Croudace, T.J. (2006). "Psychometric evaluation of predictive validity of Ryff's psychological well-being items in a UK birth cohort sample of women". *Health and Quality of Life*

- Ang, C.S. & Chan, N.N. (2018). "Adolescents' Views on Celebrity Worship: A Qualitative Study". *Current Psychology*, 37(1), 139-148.
- Aruguete, M., Griffith, J., Edman, J., Green, T. & McCutcheon, L. (2014). "Body Image and Celebrity Worship". *Implicit Religion*, 17(2), 223-234.
- Brown, W.J. (2015). "Examining Four Processes of Audience Involvement with Media Personae: Transportation, Parasocial Interaction, Identification, and Worship". *Communication Theory*, 25(3), 259-283.
- Brown, Z. & Tiggemann, M. (2016). "Attractive celebrity and peer images on Instagram: Effect on women's mood and body image". *Body Image*, 19, 37-43.
- Cheung, G.W. & Lau, R.S. (2007). "Testing Mediation and Suppression Effects of Latent Variables: Bootstrapping With Structural Equation Models". *Organizational Research Methods*, 11, 296 – 326.
- Collisson, B., Browne, B.L., McCutcheon, L., Britt, R. & Browne, A.M. (2018). The Interpersonal Beginnings of Fandom: The Relation between Attachment Style, Trust, and the Admiration of Celebrities. *Interpersona*, 12(1), 23-33.
- Darby, K.P., Castro, L., Wasserman, E.A. & Sloutsky, V.M. (2018). "Cognitive flexibility and memory in pigeons, human children, and adults". *Cognition*, 177, 30-40.
- Dennis, J.P. & Vander Wal, J.S. (2010). "The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity". *Cognitive Therapy Research*, 34, 241–253.
- Fujii, D.E.M., Ahmed, I. & Takeshita, J. (1999). "Neuropsychologic implications in erotomania: two case studies". *Neuropsychiatry, Neuropsychology and Behavioral Neurology*, 12, 110-116.
- Greenwood, D., McCutcheon, L.E., Collisson, B. & Wong, M. (2018). "What's fame got to do with it? Clarifying links among celebrity attitudes, fame appeal, and narcissistic subtypes". *Personality and Individual Differences*, 131, 238-243.
- Huppert, F.A. & So, T.T.C. (2013). "Flourishing across Europe: Application of a new conceptual framework for defining well-being". *Social Indicators Research*, 110, 837-861.
- Kline, R.B. (2011). "Principles and practice of structural equation modeling". Second Edition, New York: The Guilford Press.
- Lee, S., Scott, D. & Kim, H. (2008). "Celebrity fan involvement and destination perceptions". *Annals of Tourism Research*, 35(3), 809-832.
- Levy, M.R. (1979). "Watching TV news as parasocial interaction". *Journal of Broadcasting*, 23, 69-80.
- Maltby, J. & Day, L. (2011). "Celebrity Worship and Incidence of Elective Cosmetic Surgery: Evidence of a Link among Young Adults". *Journal of Adolescent Health*, 49(5), 438-489.

- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L.E., Gillett, R., Houran, J. & Ashe, D.D. (2004). "Personality and coping: a context for examining celebrity worship and mental health". *British Journal of Psychology*, 95(4), 411-428.
- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L.E., Houran, J. & Ashe, D. (2006). "Extreme celebrity worship, fantasy proneness and dissociation: Developing the measurement and understanding of celebrity worship within a clinical personality context". *Personality and Individual Differences*, 40(2), 273-283.
- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L.E., Martin, M.M. & Cayanus, J.L. (2004). "Celebrity worship, cognitive flexibility, and social complexity". *Personality and Individual Differences*, 37(7), 1475-1482.
- Maltby, J., Giles, D.C., Barber, L. & McCutcheon, L.E. (2005). "Intense-personal celebrity worship and body image: Evidence of a link among female adolescents". *British Journal of Health Psychology*, 10(1), 17-32.
- Maltby, J., Houran, J., Lange, R., Ashe, D. & McCutcheon, L. E. (2002). "Thou shalt worship no other gods - unless they are celebrities: the relationship between celebrity worship and religious orientation". *Personality and Individual Differences*, 32(7), 1157-1172.
- Maltby, J., Houran, J. & McCutcheon, L.E. (2003). "A Clinical Interpretation of Attitudes and Behaviors Associated with Celebrity Worship". *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 191(1), 25-29.
- Maltby, J., McCutcheon, L.E., Ashe, D.D. & Houran, J. (2001). "The Self-Reported Psychological Well-Being of Celebrity Worshipers". *North American Journal of Psychology*, 3(3), 441-52.
- Maltby, J., McCutcheon, L.E. & Lowinger, R.J. (2011). "Brief Report: Celebrity Worshipers and the Five-factor Model of Personality". *North American Journal of Psychology*, 13(2), 343-348.
- Martin, M.M., Cayanus, J.L., McCutcheon, L.E. & Maltby, J. (2003). "Celebrity worship and cognitive flexibility". *North American Journal of Psychology*, 5, 75-80.
- Martin, M.M., McCutcheon, L.E. & Cayanus, J. (2015). "Celebrity Worship and Its Relationship to Television-Watching Motives: A Brief Report". *North American Journal of Psychology*, 17(2), 213-219.
- McCutcheon, L.E., Ashe, D.D., Houran, J. & Maltby, J. (2003). "A Cognitive Profile of Individuals Who Tend to Worship Celebrities". *The Journal of Psychology Interdisciplinary and Applied*, 137(4), 309-322.
- McCutcheon, L.E., Gillen, M.M., Browne, B.L., Murtagh, M.P. & Collisson, B. (2016). "Intimate Relationships and Attitudes toward Celebrities". *Interpersona*, 10(1), 77-89.
- McCutcheon, L.E., Lange, R. & Houran, J. (2002). "Conceptualization and measurement of celebrity worship". *British Journal of Psychology*, 93(1), 67-87.

- North, A.C., Sheridan, L., Maltby, J. & Gillett, R. (2007). "Attributional Style, Self-Esteem, and Celebrity Worship". *Media Psychology*, 9(2), 291-308.
- Reeves, R.A., Baker, G.A., & Truluck, C.S. (2012). "Celebrity Worship, Materialism, Compulsive Buying, and the Empty Self". *Psychology and Marketing*, 29(9), 674-679.
- Ryff, C.D. (1989). "Beyond Ponce de Leon and Life Satisfaction: New Directions in Quest of Successful Ageing". *International Journal of Behavioral Development*, 12(1): 35-55.
- Ryff, C.D. & Singer, B.H. (2006). "Best news yet on the six-factor model of well-being". *Social Science Research*, 35(4), 1103-1119.
- Sheridan, L., North, A., Maltby, J. & Gillett, R. (2007). "Celebrity worship, addiction and criminality". *Psychology, Crime & Law*, 13(6), 559-571.
- Steve, G.S. (2011). "Celebrity Worship: Critiquing a Construct". *Journal of Applied Social Psychology*, 41(6), 1356-1370.
- Turner, G. (2010). "Approaching celebrity studies". *Celebrity Studies*, 1(1), 11-20.
- Teo, T. & Noyes, J. (2012). "Explaining the intention to use technology among pre-service teachers: a multi-group analysis of the Unified Theory of Acceptance and Use of Technology". *Interactive Learning Environments*, 22(1), 51-66.
- Swami, V., Taylor, R. & Carvalho, C. (2009). "Acceptance of cosmetic surgery and celebrity worship: Evidence of associations among female undergraduates". *Personality and Individual Differences*, 47(8), 869-872.
- Vieira, A.L. (2011). "Interactive LISREL in Practice: Getting Started with a SIMPLIS Approach". New York: Springer.
- Wang, C., Chen, C., Yang, S.C. & Farn, C. (2009). "Pirate or buy? The moderating effect of idolatry". *Journal of Business Ethics*, 90, 81-93.
- Zsila, A., McCutcheon, L.E. & Demetrovics, Z. (2018). "The association of celebrity worship with problematic Internet use, maladaptive daydreaming, and desire for fame". *Journal of Behavioral Addictions*, 7(3), 654-664.

#### COPYRIGHTS



© 2019 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)